

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... آغازی دوباره
- ۴..... ایران چگونه تغییر می‌کند؟
- ۶..... رویکرد واقعی ایران به مذاکرات
- ۸..... قدرت‌های جهان ایران را به گفت‌وگوی هسته‌ای دعوت می‌کنند
- ۱۰..... اسرائیل و بمب ایرانی
- ۱۲..... بررسی حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران
- ۱۸..... ایران دارای توانمندی موشک‌های قاره‌پیماست
- ۲۰..... پتانسیل‌های هسته‌ای و موشکی ایران
- ۲۲..... بررسی محدوده‌های قدرت ایران در خاورمیانه: خطرناک اما نه قادر مطلق
- ۲۵..... سخنرانی نیکلاس برنز در برابر کمیته روابط خارجی سنا
- ۲۷..... روابط ناکارآمد ایران و پاکستان
- ۲۹..... مرزهای وحشی شرق ایران
- ۳۱..... مبارزه مصر با ایران چه پیامی را به واشنگتن ارسال می‌کند
- ۳۳..... سیاست‌های قومی و دهمین انتخابات ریاست جمهوری
- ۳۵..... معامله بزرگ چین بر سر ایران
- ۳۷..... آیا روسیه به آمریکا در مورد ایران کمک می‌کند
- ۴۰..... گاز ایران سرخوردگی اقتصادی را تشدید می‌کند

ماهنامه کاوش (۲۷)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۷۰۶

خرداد ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی



سخن نخست

یکی از مهم‌ترین مسائل مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری خارجی، درک شرایط بین‌الملل و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این درک از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیل غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. بر این اساس در شماره ۲۷ ماهنامه کاوش که در اختیار شماست به مقالاتی در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه و به‌ویژه ایران و برنامه هسته‌ای آن و سایر موضوعات مرتبط با روابط خارجی منطقه‌ای ایران پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به‌منزله تأیید و قبول آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش همچنین جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات سازنده اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

عنوان: آغازی دوباره^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: Middle East Roundtable^۲

اوباما مسئله ایران را یکی از موضوعات مهم سیاست خارجی خود خوانده و از اولین سخنرانی‌های خود بحث مذاکره با ایران را مطرح کرده است. چنانچه وی در مصاحبه با العربیه تأکید کرد که: «برای ما مهم است که با ایران مذاکره کنیم و صراحتاً موارد اختلاف خود را بیان کنیم. در این راستا راه‌هایی برای پیشرفت نیز وجود دارد و ما در ماه‌های آینده برنامه کلی خود را مطرح می‌کنیم» و همچنین اوباما اعلام کرده است که بدون پیش‌شرط با مقامات ایران مذاکره می‌کند. وی همچنین در پیام نوروزی خود نیز بیان داشت که می‌خواهد ایران، جایگاه واقعی خود را در نظام بین‌المللی داشته باشد. بنابراین وی به‌طور ضمنی پذیرفت که حکومت فعلی نماینده مردم ایران است. مجموعه این اقدامات اوباما نشان می‌دهد که وی قصد دارد روابط آمریکا را با ایران، روسیه، کره شمالی در گذشته را فراموش کرده و مسائل را بازنگری کند. این رویه‌ای است که تمامی رؤسای جمهور آمریکا پس از کارتر انجام داده و تلاش کرده‌اند به نوعی با ایران تعامل نمایند. در این زمینه کارتر پس از گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران نیز پنج ماه سفارت ایران در آمریکا را باقی‌گذاشت و تلاش کرد برژینسکی با بازرگان نخست‌وزیر وقت دیدار نماید. ریگان مک‌فارلین را به تهران فرستاد. بیل کلینتون از طریق وزیر خارجه‌اش آلبرایت تلاش کرد به ایران نزدیک

1. Michael Rubin, "Just the Bgining", Middle East Roundtable, 30 April, 2009.

۲. از پایگاه‌های معتبر که به بررسی مسائل خاورمیانه می‌پردازد.





شود. بوش نیز هرچند ایران را محور شرارت خواند ولی در این دوره، بیشترین میزان همکاری در قضیه افغانستان و عراق صورت پذیرفت. اواما نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. با وجود این، تا زمانی که ایران تغییر در روابط با آمریکا را در نظر نگیرد، پیشرفتی حاصل نخواهد شد. در واقع ایران که به لحاظ اقتصادی تحت فشار بوده و حکومت آن، بار مسئولیت خود را بر دوش دشمن خود یعنی آمریکا می‌گذارد، به دنبال بهبود رابطه نیست و اقداماتی نظیر دستگیری صابری و سخنرانی احمدی‌نژاد در ژنو برخلاف روابط مذکور است.



عنوان: ایران چگونه تغییر می‌کند؟^۱

نویسنده: مایکل پترو

منبع: Macleams^۲

روابط پرتنش ایران و آمریکا در سال‌های اخیر در سخنان رؤسای دو کشور به خوبی مشهود بوده است. جرج بوش در سال ۲۰۰۵ ایران را کشوری تروریستی خواند که به دنبال سلاح اتمی بوده و مردم خود را از آزادی محروم نموده است. وی همواره بر وجود راه حل نظامی علیه ایران تأکید می‌کرد. احمدی‌نژاد نیز آمریکا را حامی اسرائیل دانسته که باید محو شود. با وجود چنین سابقه‌ای همکاری دو کشور پس از ۱۱ سپتامبر در مورد افغانستان و پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ اندکی عجیب به نظر می‌رسد. در حال حاضر که انتخابات ریاست جمهوری ایران در راه است شرایط ممکن است تغییر کند. اواما همواره در مورد ایران رویکرد پلیس خوب و بد را داشته است. او تلاش کرده است با نزدیکی به سوریه، ایران را از این متحد عرب خود دور سازد. از سوی دیگر اواما در تلاش برای مذاکره با ایران بوده و پیام نروزی به مردم ایران فرستاد که در آن از تهدید خبری نبود و اشاره‌ای به برنامه‌های هسته‌ای ایران نشده بود.

در این میان، نتایج انتخابات از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این انتخابات در صورت روی کار آمدن مجدد احمدی‌نژاد تغییری در سیاست‌های دولت ایران در قبال آمریکا و اسرائیل به وجود نخواهد آمد اما رقبای احمدی‌نژاد یعنی، کروبی و

1. Michael Petrou, "How can Iran change?" Macleams, Vol. 122, Issue 18, 15 May 2009.

۲. از هفته‌نامه‌های معتبر و سراسری کاناداست.



موسوی، سیاست‌های اقتصادی و خارجی دولت وی را مورد نقد قرار داده و وی را افراطی خوانده و در عوض اعلام کرده‌اند که تنش‌زدایی را در دستور کار قرار می‌دهند.

در مجموع برای بهبود روابط ایران و آمریکا باید در برخی مفروضات آنها تغییراتی به‌وجود آید. در این میان، حمایت ایران از حماس جنبه استراتژیک داشته و جنبه ایدئولوژیک ندارد، چراکه ایران اسرائیل را یک رقیب جدی در منطقه می‌داند. ایران و آمریکا منافع مشترکی در عراق، افغانستان و پاکستان دارند که این امر فضا را برای تعامل و همکاری متقابل ایجاد خواهد کرد. در مجموع با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان نیز تغییر نوع روابط دو کشور بسیار کند و آرام خواهد بود و نمی‌توان انتظار تغییر سریع را داشت.



عنوان: رویکرد واقعی ایران به مذاکرات^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: Middle East Forum^۲

سیاست و رویکرد عملی ایران و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، محور این گزارش را تشکیل می‌دهد. در این میان، اعلام خبر نصب ۷۰۰۰ سانتریفوژ در نطنز تنها یک روز پس از اعلام آمریکا برای تعامل با ایران در قالب مذاکرات چندجانبه هسته‌ای، مجدداً مباحثی را میان موافقان و مخالفان رویکرد دیپلماتیک در قبال ایران به‌وجود آورده است. موافقان مذاکره با ایران معتقدند که تنها راه عملی پیش‌رو در قبال پرونده هسته‌ای ایران دیپلماسی است و پیشرفت‌های ایران در خلال هشت سال گذشته نیز نتیجه سیاست‌های بوش در امتناع از مذاکره با ایران بوده است. از سوی دیگر مخالفان مذاکره با ایران تأکید می‌کنند که ایران یک بازیگر منفعل نیست و هم‌زمان با سیاست‌های جدید اوباما، ایران بازی شطرنج جدیدی را آغاز کرده است. در ادامه گزارش به روند تاریخی پرونده هسته‌ای ایران پس از ۱۹۸۹ اشاره شده و رویکردهای متفاوت گروه‌ها و جناح‌های داخل ایران درباره برنامه هسته‌ای مطرح شده است. در این میان به‌نظر می‌رسد که سیاست اروپا و آمریکا در مورد تمایز گروه‌های داخلی ایران در این موضوع نتیجه‌ای دربر نداشته و نوعی اجماع برای تداوم فعالیت‌های هسته‌ای میان جریان‌های مختلف سیاسی در داخل ایران وجود دارد. چنانچه به اعتقاد این گزارش، برخلاف رویکرد غرب به دولت خاتمی و شعارهای

1. Michael Rubin, "what Iran Really Thinks About Talks", Middle East Forum, April 13, 2009.

۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تحلیلی حوزه خاورمیانه.



گفت‌وگوی تمدن‌های وی، در این دوره پرونده هسته‌ای تداوم یافته و تا سال ۲۰۰۳ مخفی مانده است. در واقع سیاست ایران در قبال دیپلماسی رویکردی نظامی بوده است. بر این اساس، رویکرد اواما تکرار اشتباهات گذشته است و تکرار این اشتباه نه عقلانی و نه واقع‌گرایانه بلکه خطرناک است. بنابراین آمریکا باید در تعیین استراتژی خود در قبال برنامه هسته‌ای ایران به این مسائل توجه کافی داشته باشد.



عنوان: قدرت‌های جهان ایران را به گفت‌وگوی هسته‌ای دعوت می‌کنند^۱

نویسنده: پیتر کریل

منبع: Arms Control Association

آمریکا و پنج قدرت برتر جهان، ماه گذشته اعلام کردند که با ایران درباره برنامه‌های هسته‌ای این کشور مذاکره می‌کنند. باراک اواما در این رابطه گفت که دولتش به دنبال تعامل با ایران براساس منافع دوجانبه و احترام متقابل است. این در حالی است که ایران در روز ملی انرژی هسته‌ای خود، پیشرفت‌های جدیدی را در این باره اعلام کرد. با وجود این، تفاوت اعلام موضع اخیر ۵+۱ با گذشته، حضور آمریکا در مذاکرات است. ۵+۱ (که شامل ۵ عضو دائم شورای امنیت و آلمان است)، از سال ۲۰۰۶ گفت‌وگوهایی با ایران داشته‌اند و پیشنهادهایی جهت توقف برنامه هسته‌ای ایران مطرح کرده و تحریم‌هایی قبل از این مذاکرات و تماس‌ها اعمال شده است. اعلام موضع اخیر ۵+۱ با ابراز امیدواری جهت حضور ایران در مذاکرات و نیز یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک برای این موضوع حساس همراه بوده است. در تمام دوران بوش، آمریکا اعلام کرده بود تا زمانی که ایران به قطعنامه شورای امنیت، پاسخ مثبت ندهد، در این مذاکرات شرکت نمی‌کند. این قاعده تنها یکبار با حضور معاون وزیر خارجه آمریکا ویلیام برنز نادیده گرفته شد. این در حالی است که اواما مکرراً صحبت از تمایل جهت حضور در مذاکرات با ایران را مطرح کرده است. به‌نظر می‌رسد ایران نیز در این رابطه نظر مثبتی داشته باشد.

1. Peter Crail, "world powers Invite Iran to Nuclear talks", Arms Control Association, May 2009.



رئیس‌جمهور ایران نیز اخیراً اعلام کرده است بسته جدیدی جهت انجام مذاکرات ارائه خواهد کرد.

این در حالی است که ایران به پیشرفت‌های خود در زمینه انرژی هسته‌ای ادامه می‌دهد و اخیراً اعلام کرده است، چرخه کامل انرژی هسته‌ای را در اختیار دارد.



عنوان: اسرائیل و بمب ایرانی^۱

نویسنده: استیون روزن

منبع: Middle East Forum^۲

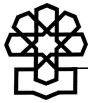
این گزارش، رویکرد اسرائیل نسبت به پرونده هسته‌ای ایران را مورد مطالعه قرار داده و تلاش کرده است به ارزیابی سیاست اواما و سناریوهای موجود در آن بپردازد. از نظر نویسنده، امروز مسئله هسته‌ای ایران از نظر بسیاری از مقامات اسرائیلی، فوری‌ترین تهدید اسرائیل، منطقه خاورمیانه و حتی ایالات متحده محسوب می‌شود. این مسئله متأثر از قصور و اهمال‌کاری غرب در قبال برنامه هسته‌ای ایران در طی ۱۵ سال گذشته به وجود آمده است. از سوی دیگر با توجه به ارتباط ایران با گروه‌های مقاومت مانند حماس و حزب‌الله و همچنین نفوذ آن در عراق و سایر کشورهای خاورمیانه، این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار است. به علاوه نویسنده تأکید می‌کند که ایران به مداخله امور داخلی سایر کشورهای عربی مانند مصر پرداخته و در مورد تمامیت ارضی برخی دیگر از کشورها مانند بحرین و امارات نیز ادعاهایی داشته است!! در این شرایط این کشور در آستانه ساخت بمب اتمی قرار گرفته و مسلماً این رویداد سبب تغییر چشم‌انداز استراتژیک خاورمیانه خواهد شد زیرا که اولاً امکان حمله هسته‌ای از سوی ایران علیه اسرائیل، با توجه به رویکرد این کشور نسبت به مسئله فلسطین وجود دارد. ثانیاً ایران می‌تواند با ایجاد یک چتر هسته‌ای به سیاست‌های کنونی خود در منطقه ادامه داده و از نوعی بازدارندگی‌های

1 Steven J. Rosen, "Israel and the Iranian Bomb" Middle East Forum, April 27, 2009.

۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تحلیلی حوزه خاورمیانه.



خاص بهره‌مند شود. به اعتقاد نویسنده در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای کشورهای عربی نیز به دنبال دستیابی به این توانمندی‌های هسته‌ای برآمده و این وضعیت، خاورمیانه را در شرایط وخیم و خطرناکی فرو خواهد برد. در ادامه گزارش نویسنده به نقد سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و تأکید می‌کند که رویکرد اوپاما برای مذاکره با ایران بیهوده و بی‌فایده است. زیرا این رویکرد پس از نتایج انتخابات ایران آغاز شده و در نهایت نیز اقدامات اوپاما توسط ایران به بازی گرفته خواهد شد. بر این اساس، نویسنده این سؤال را مطرح می‌کند که با توجه به این شرایط، چه زمانی آمریکا باید متقاعد شود که فشار بین‌المللی جدی بر ایران وارد کند؟ به علاوه که احتمال تحریم‌های بیشتر نیز یک سیاست ناکارآمد در توقف برنامه‌های هسته‌ای ایران خواهد بود. بنابراین به اعتقاد نویسنده، شاید مقامات اسرائیل چاره‌ای جز اقدام نظامی پیشگیرانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نداشته باشند. این اقدامات در راستای جلوگیری از سابقه تسلیحاتی هسته‌ای و نابودی اسرائیل صورت می‌گیرد. لذا هرچه زودتر اوپاما نسبت به پرونده هسته‌ای ایران اقدام کند، مسلماً نتایج بهتری به دست خواهد آمد وگرنه احتمال حمله یک‌جانبه اسرائیل برای اجتناب از رویدادهای بدتر تقویت خواهد شد.



عنوان: بررسی حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: عبدا... توکان و آنتونی کوردزمن

منبع: Center for Strategic and International Studies^۲

این گزارش به بررسی سناریوهای احتمالی حمله رژیم صهیونیستی به ایران و پیامدها و واکنش جمهوری اسلامی ایران پرداخته و در نهایت نتیجه گرفته است که حمله اسرائیل به ایران تقریباً غیرممکن است. نویسندگان این گزارش احتمال داده‌اند این حمله در نهایت تا اواخر امسال انجام شود. این گزارش ۱۱۴ صفحه‌ای به گزینه‌ها و توانایی‌های نظامی اسرائیل، قدرت نظامی و قدرت دفاع هوایی ایران و علاوه بر این به نخایر موشکی دو طرف و احتمالات حمله اسرائیل و زمان‌های فرضی، ابزارها و وسایل آن و همچنین واکنش‌های پیش‌بینی‌پذیر ایران به چنین حمله‌ای پرداخته است. براساس یکی از سناریوها نود فروند جنگنده از مرزهای ترکیه و سوریه به همراه همه هواپیماهای سوخت‌گیری که اسرائیل در اختیار دارد به طرف شمال عراق و از آنجا به سوی ایران پرواز خواهند کرد و بمب‌هایی هر کدام به وزن دو تن و نیز بمب‌هایی به وزن ۲۲۵۰ کیلوگرم به تأسیسات هسته‌ای ایران پرتاب خواهند کرد. سناریوی دیگر آن است که حدود چهل‌ودو فروند موشک از نوع زمین به زمین «پریحو» از اسرائیل به سوی اهدافی در ایران با دقت زیاد شلیک خواهد شد. بر این اساس اگر نیروگاه هسته‌ای بوشهر نابود شود هزاران نفر در منطقه خلیج فارس به

1. Abdullah Toukan and Anthony Cordesman, Study on a Possible Israeli Strike on Iran's Nuclear Development Facilities, Center for Strategic and International Studies, March 2009.

۲. مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی از مراکز معروف مطالعاتی مسائل بین‌المللی است.



علت تشعشعات هسته‌ای کشته خواهند شد و شمار زیادی نیز به سرطان مبتلا خواهند شد. نویسندگان این گزارش پس از تحلیل همه گزینه‌های تهاجمی ممکن برای اسرائیل اعلام کرده‌اند حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران ممکن است اما پیچیده خواهد بود و در بخش اجرایی خطرهای زیادی دارد و برای موفقیت زیاد آن نیز تضمینی وجود ندارد. به همین سبب چنین حمله‌ای خطر بی‌سابقه‌ای برای اسرائیل خواهد بود که در گذشته هرگز چنین آزمایشی صورت نگرفته است. نخستین مشکلی که تل‌آویو در حمله به ایران با آن روبه‌رو است مشکل اطلاعاتی یا نبود گزارش‌های اطلاعاتی است چراکه درباره احتمال اینکه ایران تأسیسات سری غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد اطلاعاتی وجود ندارد و اگر تل‌آویو حمله کند به معنای حمله به تأسیسات ناشناخته خواهد بود و غربی‌ها نیز از وجود اماکن سری در ایران اطلاعاتی ندارند. این به معنای آن است که طرح‌های غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات هسته‌ای ایران بدون آنکه آسیب ببیند باقی خواهد ماند و در صورت شکست حمله اسرائیل به صورت عادی فعالیت در این تأسیسات ادامه خواهد داشت. با توجه به آنکه ده‌ها مرکز هسته‌ای در ایران پراکنده است و امکان نابودی آنها وجود ندارد فقط احتمال دارد به سه مرکز هسته‌ای ایران که مرکز تهیه سوخت هسته‌ای هستند، یعنی به مرکز مطالعاتی اصفهان غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و رآکتور آب سنگین در اراک، حمله شود. پژوهشگران این گزارش برای پرواز جنگنده‌های اسرائیلی سه مسیر را پیش‌بینی کرده‌اند. یکی مسیر شمالی و عبور از مرزهای سوریه با ترکیه و ورود به شمالی‌ترین نقطه عراق و از آنجا به ایران. دیگری احتمال استفاده از مسیر پرواز اصلی میان‌بر و کوتاه یعنی حریم هوایی اردن است که به خاطر پرهیز



از پیچیدگی‌های سیاسی مرتبط با اردن بعید است که استفاده شود. مسیر سوم نیز جنوب است که براساس آن جنگنده‌های اسرائیلی می‌باید از فراز اردن و عربستان و عراق عبور کنند و بعید است که از این مسیر نیز استفاده شود. بر این اساس نویسندگان گزارش بر این باورند که نیروی هوایی اسرائیل به استفاده از فناوری بسیار پیشرفته‌ای متوسل خواهد شد که براساس آن می‌تواند سامانه‌های مخابراتی و راداری کشورها را مختل کند. برای همین منظور از جنگنده‌های F-15 و F-16 استفاده خواهد شد تا شناسایی نشوند که اسرائیل از این فناوری در حمله به سوریه در سال ۲۰۰۷ استفاده کرد و دستگاه‌های ایجاد اختلال بر روی دو فروند هواپیمای ۵۵۰ نصب شد. اگر قرار باشد به این سه مرکز هسته‌ای ایران حمله شود نیاز به این است که اسرائیل دست‌کم نود فروند جنگنده خود یعنی همه جنگنده‌های F-15 و L-25 و نیز همه هواپیماهای سوخت‌رسانی را که نیروی هوایی اسرائیل دارد و نیز پنج فروند هواپیمای هرکولس و چهار فروند هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ را به کار بگیرد. جنگنده‌ها در مسیر رفت و برگشت سوخت‌گیری خواهند کرد. بنابراین نیروی هوایی اسرائیل برای یافتن منطقه‌ای که بتواند هواپیماها را بدون آنکه سوری‌ها و ترک‌ها بدانند سوخت‌گیری کند با مشکل بزرگی روبه‌رو است. این گزارش با اشاره به استحکامات تأسیسات هسته‌ای ایران می‌افزاید برای آنکه نیروی هوایی اسرائیل استحکامات ایرانی را از بین ببرد دو نوع بمب تولید شده را در آمریکا به کار خواهد گرفت که منابع خارجی احتمال داده‌اند اسرائیل ششصد نوع از این بمب‌ها را خریداری کند. این بمب‌ها ضد سنگر و استحکامات ۲۷ نام دارد که هر کدام ۹۰۰ کیلوگرم وزن دارد و قادر است به یک لایه بتونی با ضخامت دومتر و چهار سانتیمتر نفوذ کند. نوع دیگر این بمب ۲۸ نام دارد که ۲۲۹۸



کیلوگرم وزن دارد و قادر است به یک لایه بتونی به ضخامت شش متر نفوذ کند، اما برای آنکه هواپیماهای اسرائیلی این مأموریت را انجام دهند باید اهداف را از زاویه درست با دقت تمام هدفگیری کنند. اما با این تجهیزات نیز مشکلات هواپیماهای اسرائیلی حل نخواهد شد زیرا ایران سامانه دفاعی هوایی مستحکمی ایجاد کرده است که رسیدن هواپیماهای اسرائیلی به اهدافشان را دشوار می‌کند. ایران سامانه‌های موشکی از نوع هاک و نیز موشک‌های سینگر و پدافند ضدهوایی ۱۷۰۰ در اختیار دارد که نزدیک تأسیسات هسته‌ای ایران مستقر شده است. علاوه بر این نباید از هواپیماهای نیروی هوایی ایران، (اگرچه قدیمی است و ۱۵۸ فروند هواپیما هستند و تلاش خواهند کرد حمله اسرائیل را خنثی کنند) غافل ماند. اگر سامانه موشکی روسی را مد نظر قرار دهیم در آن صورت همه سامانه‌های دفاعی ایران یک طرف خواهد بود و این سامانه نیز در طرف دیگر خواهد بود و سامانه‌های دیگر در مقایسه با این سامانه موشکی روسی هیچ است. گفته می‌شود ایران این موشک‌ها را محرمانه در گذشته خریداری کرده است و اگر این اطلاعات درست باشد همه محاسبات نیروی هوایی اسرائیل و همه محاسبات تغییر خواهد کرد. زیرا سامانه موشک‌های S-300 روسی بسیار پیشرفته است و امکان دارد ایران با استفاده از این سامانه ۲۰ تا ۳۰ فروند از نود فروند جنگنده اسرائیلی را منهدم کند و این بهایی است که اسرائیل هرگز حاضر به پرداخت آن نخواهد بود. این گزارش در ادامه به احتمال فاجعه زیست‌محیطی در صورت پراکنده شدن تشعشعات هسته‌ای در منطقه گسترده‌ای و کشته شدن هزاران ایرانی نزدیک این نیروگاه و هزاران مبتلا به بیماری‌های سرطانی و نیز به وزش بادهای شمالی اشاره کرده است که کشورهای بحرین و قطر و امارات



را نیز درگیر خواهد کرد.

سناریوی دیگر آن است که اسرائیل برای آنکه از خطرهای حمله هوایی در امان بماند امکان دارد حملات موشکی بالستیکی به ایران را جایگزین حملات هوایی کند چراکه ایران توانایی دفاعی مقابله با موشک‌های زمین به زمین را ندارد. این گزارش به توانایی‌های موشکی اسرائیل و به سه نوع موشک پیشرفته اسرائیلی یعنی یریحو ۱، ۲ و ۳ اشاره کرده است که برد موشک اولی پانصد کیلومتر است و می‌تواند کلاhek جنگی به وزن ۴۵۰ و کلاhek هسته‌ای به وزن بیست تن حمل کند. اما برد موشک یریحوی ۲، هزار و پانصد کیلومتر است و از سال ۱۹۹۰ وارد ارتش اسرائیل شده است و می‌تواند کلاhek هسته‌ای به وزن یک مگا تن حمل کند. اما برد موشک یریحوی ۳ که قاره‌پیماست و چهار هزار و هشتصد تا شش هزار و پانصد کیلومتر برد دارد از سال گذشته میلادی وارد ارتش اسرائیل شده است و می‌تواند کلاhek هسته‌ای به وزن بیش از یک مگا تن حمل کند. برای آنکه اهداف سه‌گانه ایران نابود شود به شلیک چهل و دو فروند موشک نیاز است. این در صورتی است که همه اهداف به دقت به هدف اصابت کند و اصابت همه موشک‌ها به اهداف نیز بسیار دشوار است. این گزارش درباره زمان فرضی حمله اسرائیل اعلام کرده است و واقعیت‌هایی وجود دارد که امکان دارد تصمیم به حمله به ایران را در سال کنونی تسریع کند. امکان موفقیت ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای نظامی در سال ۲۰۱۰ و تبدیل شدن این کشور به خطری جدی برای کشورهای همسایه و اسرائیل از جمله این واقعیت‌هاست. امکان دستیابی ایران به موشک‌های دقیق بالستیکی حامل کلاhek‌های غیرمتعارف و نیز نگرانی از دستیابی ایران به موشک‌های S-300 از دیگر



واقعیت‌های موجود است. درباره چگونگی پاسخ ایران به این حمله نیز گفته شده است که ایرانی‌ها بر قدرت و عزم خود برای تکمیل طرح هسته‌ای خود خواهند افزود تا بتوانند در مقابل اسرائیل قدرت قابل اعتماد بازدارنده داشته باشند. به همین سبب ایران از پیمان منع گسترش هسته‌ای خارج خواهد شد. همچنین حمله احتمالی اسرائیل سبب خواهد شد که همه تلاش‌های بین‌المللی برای فشار به ایران برای متوقف کردن تولید سلاح هسته‌ای فوراً متوقف شود و ایران قطعاً به این بسنده نخواهد کرد و امکان حمله مستقیم این کشور به اسرائیل نیز وجود دارد زیرا می‌تواند به همه شهرهای اسرائیل که در تیررس موشک‌های شهاب سه قرار دارد موشک شلیک کند. برخی از این موشک‌ها قادرند کلاهک‌های جنگی شیمیایی حمل کنند. همچنین ایران، حزب‌الله لبنان و جنبش حماس را برای آغاز عملیات شهادت‌طلبانه علیه شهرها و اهداف اسرائیلی فعال خواهد کرد، علاوه بر اینکه این دو سازمان، توانایی شلیک موشک را دارند و تجربه جنگ لبنان و غزه آن را ثابت کرده است. همچنین حمله اسرائیل به متزلزل شدن ثبات در خاورمیانه منجر خواهد شد و ایرانی‌ها برای تحقق این هدف به استفاده از شیعیان عراق متوسل خواهند شد و از جنبش طالبان، حمایت و توانایی جنگی طالبان را در افغانستان تقویت خواهند کرد. علاوه بر این ایران می‌تواند به منافع آمریکا در منطقه و به خصوص به نیروهای آمریکایی در کشورهای عرب خلیج فارس مانند قطر و بحرین حمله کند و جلوی صدور نفت را از منطقه خلیج فارس به کشورهای غربی بگیرند.



عنوان: ایران دارای توانمندی موشک‌های قاره‌پیماست^۱

نویسنده: آریل کوهن

منبع: The Heritage Foundation^۲

ایران هم‌زمان با سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی توانست اولین ماهواره خود را با استفاده از موشک سفیر ۲ در مدارش در فضا قرار دهد. این موشک که ۲۶ تن وزن، ۲۲ متر طول و ۱/۲۵ قطر دارد، در صورت حمل کلاهکی کوچک توسط آن می‌تواند محدوده‌ای به وسعت ۱۱۵۰ مایل را در تیررس قرار دهد. بنابراین امکان حمله به اسرائیل توسط ایران وجود دارد. از سوی دیگر شواهد تاریخی نشان می‌دهد کشورهایی که دارای توانمندی موشک‌های قاره‌پیما هستند معمولاً از توانایی زیادی در برنامه ماهواره‌ای برخوردارند (چنانچه آمریکا، شوروی سابق، فرانسه و چین از این امکانات استفاده می‌کنند) بنابراین با توسعه توانمندی موشک‌های قاره‌پیمای ایران عملاً امکان رهگیری اهدافی در سواحل شرقی ایالات متحده در کمتر از نیم ساعت وجود دارد. علاوه بر این با توجه به اینکه کارشناسان نظامی معتقدند که تکنولوژی به‌کار رفته شده برای پرتاب ماهواره، عملاً تکنولوژی لازم برای دستیابی به هر هدفی با کلاهک را نیز ممکن می‌سازد. لذا این مسئله از اهمیت مضاعفی برخوردار است. از سوی دیگر امکان استفاده از ماهواره امید به منظور اهداف اطلاعاتی نیز وجود دارد و از این طریق پرتاب ماهواره توسط ایران، می‌تواند گام جدیدی برای دستیابی به اطلاعات بیشتری از منطقه و جهان باشد. همچنین با توجه به شباهت کارایی

1. Ariel Cohen, "Iran has ICBM power", The Heritage Foundation, April 9, 2009.

۲. از مؤسسات وابسته به نئومحافظه‌کاران آمریکا.



موشک‌های پرتاب‌کننده ماهواره و موشک‌های بالستیک، این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بسیار هشداردهنده است. زیرا که ایران با دستیابی به این توانمندی، در صدد ارتقای تکنولوژی موشک‌های بالستیک دوربرد خواهد بود. این مسئله دقیقاً مشابه اقدام شوروی در سال ۱۹۵۷ در آزمایش اولین موشک قاره‌پیمای آن است که پس از اولین پرتاب ماهواره توسط این کشور صورت گرفت. بنابراین استفاده از تکنولوژی سفیر ۲ برای توسعه توانمندی موشکی ایران و دستیابی به موشک‌های بالستیک کاملاً محتمل است.



عنوان: پتانسیل‌های هسته‌ای و موشکی ایران^۱
نویسنده: جمعی از متخصصان روسی و آمریکایی
منبع: East-West Institute^۲

دانشمندان آمریکایی و روسی در گزارشی مشترک اعلام کردند که ایران قادر خواهد بود که در یک تا سه سال آینده با تولید یک چاشنی هسته‌ای ساده، یک بمب اتمی ساده تولید کند و پنج سال بعد از آن خواهد توانست به تولید کلاهک هسته‌ای دست یابد. علاوه بر این، ایران پیشرفت‌هایی در زمینه فناوری موشکی به دست آورده و توانایی آن را خواهد داشت که در «فاصله زمانی حدود شش تا هشت سال» موشکی دوربرد با قابلیت حمل کلاهکی به وزن هزار کیلوگرم برای شلیک به هدفی در فاصله دو هزار کیلومتری، تولید کند.

مؤسسه «ایست‌وست» که مقرش در آمریکا است و در مورد چالش‌های جهانی تحقیق می‌کند، برای نخستین بار شش متخصص روسی و شش کارشناس آمریکایی را گردهم آورد تا ارزیابی مشترکی از تهدید ایران هسته‌ای و توانایی موشکی این کشور دست دهند. براساس گزارش این مؤسسه که نتایج اصلی گزارش را در اختیار ژنرال جیمز جونز، مشاور امنیت ملی، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه و نیکلای پاتروشِف، دبیر شورای امنیت سازمان ملل قرار داده است، ایران با وجود انکار داشتن برنامه تسلیحات هسته‌ای «پاسخ‌های اطمینان‌بخشی به پرسش‌های مطرح در مورد ابعاد نظامی احتمالی در برنامه هسته‌ای‌اش ارائه نداده است». همچنین

1. A Joint Threat Assessment by U.S. and Russian Technical Expert, "Iran's Nuclear and Missile Potential", East-West Institute, May 2009.

۲. از مؤسسات پژوهشی در حوزه مسائل بین‌المللی و چالش‌های جهانی.



گزارش به ادامه غنی‌سازی اورانیوم از جانب ایران اشاره داشته، اما در ادامه می‌افزاید که «روشن نیست که آیا تهران تصمیمی برای تولید جنگ‌افزارهای هسته‌ای دارد یا نه» برطبق داده‌های این گزارش مشترک متخصصان روس و آمریکایی، ایران تا اسفند ۱۳۸۷ مقدار یک هزار و ده کیلوگرم اورانیوم با غلظت غنی‌سازی پایین تولید کرده که در صورت تبدیل به اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا، برای ساخت یک بمب کافی خواهد بود. طبق برآورد این گزارش، بدون کمک‌های فنی خارجی، ایران برای ساخت موشک‌های بین‌قاره‌ای به «دست‌کم ۱۰ تا ۱۵ سال» زمان نیاز دارد. اما همین گزارش می‌افزاید چنانچه ایران کمک‌های اساسی در ارتباط با ساخت و تولید موشک دریافت دارد، زمان ساخت این‌گونه موشک‌ها بسیار کمتر خواهد شد. بر این اساس تهدیدی آنی از جانب ایران برای تولید موشک‌های بالستیک میان‌برد یا دوربرد وجود ندارد و تهدید موشکی ایران علیه اروپا قریب‌الوقوع نیست. حتی به فرض وجود چنین تهدیدی، سیستم دفاع موشکی پیشنهادی آمریکا برای استقرار در اروپا «دفاع قابل اتکایی برای مقابله با آن نخواهد بود و بدین‌ترتیب ادامه استقرار سیستم دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک، عقلایی نخواهد بود.» به عبارت دیگر در صورتی‌که ایران موفق شود موشکی بسازد که قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای به اروپا را داشته باشد، سپر دفاع موشکی آمریکا، قادر نخواهد بود با آنها مقابله کند چراکه «روش‌های مختلفی وجود دارند که می‌توانند موشک‌های رهگیر آمریکایی را به آسانی فریب دهند». این گزارش در انتها چنین نتیجه‌گیری کرده است که آمریکا و روسیه برای حل بحران هسته‌ای ایران، باید همکاری نزدیک‌تری داشته باشند.



عنوان: بررسی محدوده‌های قدرت ایران در خاورمیانه:^۱ خطرناک اما نه قادر مطلق
نویسنده: فردریک وری و دیگران
منبع: Rand

تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای یکی از بزرگترین چالش‌های سیاست خارجی آمریکا خواهد بود. آمریکا نیز باید نقش و نفوذ ایران در منطقه را به رسمیت بشناسد و با این کشور در حل مسائل منطقه تعامل کند و در عین حال مانع آنچه فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه خوانده شده، گردد. اگر آمریکا به ایران فقط به‌عنوان یک تهدید بنگرد و درصدد انزوای این کشور باشد این مسئله در جهت منافع آمریکا در منطقه نخواهد بود. استراتژی آمریکا باید ترکیبی از بازدارندگی و تعامل با ایران باشد. اگر آمریکا این استراتژی را در قبال ایران به‌کار گیرد احتمال موفقیت و نتیجه بخش بودن این استراتژی زیاد خواهد بود. در این گزارش توصیه می‌شود که فشار یک‌جانبه آمریکا بر تهران کاهش یافته و همزمان تحریم‌های چندجانبه افزایش یابد. همچنین براساس این گزارش باید در مسائل امنیت منطقه‌ای با ایران همکاری شود اگرچه امید به مؤثر بودن مذاکرات دوجانبه آمریکا و ایران برای ایجاد تغییر در رویکرد تهران «غیرواقع‌گرایانه» بوده اما در عین حال باید از تلاش‌های گسترده بین‌المللی شامل تشویق و تنبیه، بسته به واکنش ایران حمایت شود. این گزارش، سیاست کنونی آمریکا در رابطه با ایران را با سیاست بازدارندگی در زمان جنگ سرد مقایسه نموده و شکست این سیاست را به‌خاطر عدم آشنایی واشنگتن در «احتساب

1. Frederic Wehrey et al, "Dangerous But Not Omnipotent: Exploring the Reach and Limitations of Iranian Power in the Middle East", RAND, May 2009.



ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه و فرهنگ استراتژیک ایران» می‌داند.

در این سند گفته می‌شود: «هرچند که سیاست برپایه همکاری‌های دوجانبه جذاب‌تر می‌باشد، اما این واقع‌گرایانه نیست و تلاش برای برافروختن موج اختلافات داخلی در کشور و اختلاف‌پراکنی در فراکسیون‌های مختلف بین خود، به احتمال زیاد علیه واشنگتن خواهد بود، زیرا آمریکا درک محدودی از پراکندگی نیروها در ایران و امکانات حکومت ایران برای استفاده از چنین دخالت‌هایی برای دریافت امتیازات بیشتر دارد».

در عین حال در این گزارش پیشنهاد شده است که «در رابطه با ایران فشار از سوی جامعه جهانی به‌کار رود، هم‌زمان لحن و سیاست تند و یکجانبه آمریکا در رابطه با ایران ملایم گردد».

در این پژوهش توضیح داده شده است که نبود واکنش ایران نسبت به پیشنهاد آمریکا برای مذاکره دوجانبه تا حدی نتیجه «فراکسیونی بودن حکومت ایران» است و نیز اینکه «فراکسیون‌های رقیب اغلب از مسائل مربوط به سیاست خارجی استفاده می‌کنند تا یکدیگر را خراب کرده و یا از رقبا برتری جویند».

در کل براساس این گزارش چهار توصیه اساسی به دولت اوپاما شده است:

۱. اعمال فشارهای چندجانبه فزاینده بر اهداف و فعالیت‌های هسته‌ای ایران در کنار کاهش فشارهای یکجانبه آمریکا،

۲. پیگیری مذاکرات دوجانبه بین ایران و آمریکا درباره حوزه‌های دارای منافع مشترک مانند ثبات در عراق و افغانستان، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و امدادسانی در بحران‌های انسانی،



۳. صدور بیانیه‌های شفاف و غیرمبهم درباره اهداف و نیت آمریکا در منطقه،

۴. ورود در عرصه ایجاد چارچوب همکاری‌جویانه و چندجانبه‌گرایانه امنیت منطقه‌ای که دربرگیرنده ایران و حساس نسبت به نیازهای دوستان و متحدین منطقه‌ای آمریکا باشد.



عنوان: سخنرانی نیکلاس برنز در برابر کمیته روابط خارجی سنا^۱

نویسنده: نیکلاس برنز

منبع: U.S. Committee on Foreign Relations

من از این نگرانم که از جنبه‌های بسیاری در مسیر برخورد با ایران قرار گرفته باشیم. از این رو رویکرد اوباما در برابر ایران را می‌ستایم. این رویکرد تهران را در موضع دفاعی قرار داده و دولت احمدی‌نژاد نتوانسته یک واکنش هماهنگ به رویکرد اوباما نشان دهد. برنز با اشاره به سیاست دولت بوش و دولت‌های پیشین در برابر ایران گفت: رویکرد انزوای ایران، پرهیز از گفت‌وگو و صحبت از تغییر رژیم در تغییر رویکرد ایران نتیجه‌بخش نبوده است. فکر می‌کنم مفید خواهد بود اگر دولت آمریکا خیلی آشکار و واضح بگوید که تغییر رژیم، سیاست ما نیست. من قویاً از فشار اوباما برای تعامل با تهران حمایت می‌کنم. چند دهه منزوی کردن ایران، خودداری از ملاقات با مقام‌های آن، و درخواست برای تغییر رژیم اثر نکرده است.

وی در پاسخ به سؤال جان‌کری مبنی بر اینکه آیا سیاست‌های گذشته به حرکت ایران به مسیر غلط کمک نکرده است گفت دشوار است بتوان چنین قضاوتی داشت. برنز تأکید کرد ایران سال‌ها در مسیر دستیابی به جنگ‌افزار هسته‌ای و حمایت از تروریسم قرار داشته و دشوار است بتوان نتیجه‌گرفت سیاست‌های سال‌های گذشته در سوق دادن ایران به مسیر نادرست مؤثر بوده است. برنز دلایل بسیاری را برشمرد که اقدام نظامی چاره راه نخواهد بود و گفت راه‌انداختن جنگ سوم در خاورمیانه، چه از طرف آمریکا و چه از طرف اسرائیل، به سود منافع ملی آمریکا

1. Nicholas Burns, Statement before the U.S. Committee on Foreign Relations, May 6, 2009.



نیست. تحریم‌های گذشته هم تنها آغاز راه فشارها بوده‌اند. پیش از نشست بر سر میز مذاکره با ایران باید با روسیه و چین اتمام حجت کرد که در صورت عدم همراهی ایران در تحریم‌های سنگین همراهی خواهند کرد و تا زمانی که چنین اتفاقی نیافتد تماس با ایران سودمند نخواهد بود. وی نسبت به تشدید فشارها بر هم‌پیمانان اروپایی آمریکا هشدار داد و گفت آنها به اندازه کافی با سیاست‌های آمریکا همراهی کرده‌اند و این روسیه و چین هستند که جای خالی اروپا در ایران را پر کرده‌اند. از نظر من مهم‌ترین جزء دیپلماسی در این مقطع برای مهار برنامه اتمی ایران به چین و روسیه مربوط می‌شود و باید این کشورها را راضی به اعمال فشار شدیدتر اقتصادی بر تهران کرد.



عنوان: روابط ناکارآمد ایران و پاکستان^۱

نویسنده: هارش پنت

منبع: Middle East Quarterly

سال گذشته رئیس‌جمهور ایران در سفر خود به جنوب آسیا، به پاکستان نیز سفر کرد. هرچند این دیدار صمیمی بود، ولی با تنش‌های زیادی نیز همراه شده بود. ایران و پاکستان که زمانی متحد دوران جنگ سرد آمریکا بودند، به دلیل تغییر شرایط افغانستان و برنامه‌های هسته‌ای پاکستان وارد نوعی رقابت با هم شده‌اند. چنانچه ثبات افغانستان جزء اهداف اصلی آمریکاست و این کشور به دنبال آن است که رقابت ایران و پاکستان به افغانستان کشیده نشده و این کشور تبدیل به نقطه جنگ نیابتی این دو نشود. زمانی که این دو کشور خود را ملزم به حمایت از گروه‌های شیعی و سنی می‌دانند، نیروهای آمریکا و ناتو نخواهند توانست آرامش را به منطقه بازگردانند. هرچند دو کشور ایران و پاکستان تلاش دارند روابط خود را دوستانه و عادی جلوه دهند ولی این تنش‌ها در مواقعی شدت می‌یابد. خلأ قدرت مرکزی نیرومند در پاکستان باعث شده که این کشور تبدیل به حوزه نفوذ کشورهای همسایه گردد. در این راستا ناکامی آمریکا و ناتو نیز توانسته به سایر کشورها جهت حضور در افغانستان کمک کند. ایران و پاکستان از آنجا که دریافته‌اند، افغانستان باثبات، مستقل و به لحاظ اقتصادی قدرتمند به سود آنهاست نسبت به روابط خود با هم و با افغانستان حساس‌تر شده‌اند. فارغ از اینکه چه کسی بر افغانستان حکومت می‌کند رقابت تهران و اسلام‌آباد در افغانستان نیز بسیار مهم است. این کشور توسط همسایگان و

1. Harsh pant, "Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship", spring 2009. pp. 43-50.



قدرت‌های منطقه‌ای تحت تأثیر قرار گرفته و سیاست‌های خود را در آن راستا تعریف شده می‌بیند. آنچه مسلم است آنکه افزایش بی‌ثباتی در افغانستان سبب افزایش رقابت‌های منطقه‌ای می‌گردد. ایران در صورتی به افغانستان کمک می‌کند که منافع خود را تأمین شده ببیند. افزایش بی‌ثباتی در افغانستان سبب می‌شود ایران در جهت تأمین امنیت و منافع خود اقدام نماید و نسبت به سایر مسائل بی‌تفاوت باشد. پاکستان نیز نمی‌خواهد نقش گسترده خود را که دهه‌ها در افغانستان داشته است، از دست بدهد. ناآرامی در افغانستان سبب تقویت حضور پاکستان و استفاده از این فضا در جهت تأمین منافع این کشور است. آمریکا نیز باید بداند که تنها ناتو و آمریکا نمی‌تواند در افغانستان نقش اصلی را ایفا کند و به تنهایی نمی‌تواند ثبات را به این کشور بازگرداند و با طالبان مبارزه کند.



عنوان: مرزهای وحشی شرق ایران^۱
 نویسنده: آلكس واتانكا
 منبع: Jane's Intelligence Digest^۲

مقامات ایران به شدت در تلاش برای تقویت مرزهای شرقی خود که ۱۸۴۵ کیلومتر طول دارد هستند. این اقدامات شامل استفاده از نیروهای نظامی متعارف و نیز پلیس و سپاه پاسداران می‌باشد. در روزهای گذشته سخنگوی وزارت خارجه ایران، دلیل ناامنی‌ها و آشوب و افراط‌گرایی را در مرزهای شرقی تولید مواد مخدر در افغانستان و قاچاق آن از طریق ایران دانست. همچنین رئیس پلیس ایران اعلام کرد، جهت مقابله با تروریست‌های شرق کشور از نیروهای سپاه پاسداران استفاده شده است.

یکی از دلایل اقدامات تقویت‌کننده امنیت ایران در شرق، ترس از گسترش ناآرامی‌های پاکستان به داخل مرزهای ایران می‌باشد. پس از سقوط رژیم بعث در عراق در سال ۲۰۰۳ ایران بخشی از نیروهای نظامی خود را در غرب کشور کاهش داده و در عوض مرزهای شرقی و نیز خلیج فارس را مورد تقویت قرار داده است. علت استقرار نیروها در خلیج فارس، احتمال درگیری دریای ایران با آمریکا و آسیب‌پذیری ایران از این ناحیه می‌باشد. در حال حاضر ایران از ناحیه شرق و جنوب احساس ناامنی می‌کند، لذا در بیرجند در سال ۲۰۰۷ پایگاه هوایی و در جاسک در سال ۲۰۰۸ پایگاه دریایی تأسیس کرده است.

از سوی دیگر نگرانی ایران در مرزهای افغانستان، ورود مهاجران افغانستان به



این کشور است. در حال حاضر حدود ۲ تا ۴ میلیون مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کنند که همواره مشکلاتی را برای این کشور به وجود آورده‌اند. از سوی دیگر تقویت و افزایش ناآرامی‌های پاکستان نیز می‌تواند بر وخامت اوضاع افغانستان بیفزاید. از سال ۲۰۰۵ به بعد، منطقه سیستان و بلوچستان که در مجاورت افغانستان و پاکستان بوده است، آماج حملات تروریست‌ها بوده و گزارش‌های مختلفی در طول این زمان از اقدامات تروریستی به گوش رسیده است. مهم‌ترین این گروه‌ها جندالله، بوده است که در خاک پاکستان مستقر بوده و ایران نابسامانی در پاکستان را عاملی جهت تقویت این گروه می‌داند. از سوی دیگر احتمال پیوستن جندالله، به مبارزان بلوچ پاکستانی نیز وجود دارد. هدف این گروه تشکیل بلوچستان بزرگ متشکل از بلوچ‌های ایران، پاکستان و افغانستان است. ایران جهت مبارزه با این شرایط اقدام به ایجاد مانع و کشیدن دیوار و تجهیز و گسترش نیروهای خود در شرق کشور نموده است.

1. Alex vatanka, "Iran's wild Eastern Frontiers", Jane's Inteligence Digest, May 5, 2009.

۲. از نشریات مرتبط به حوزه نظامی و تسلیحاتی است.



عنوان: مبارزه مصر با ایران چه پیامی را به واشنگتن ارسال می‌کند^۱

نویسنده: دیوید پولاک

منبع: The Washington Institute for Near East policy^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی اقدامات اخیر مصر در بازداشت فردی به اتهام ارتباط با حزب‌الله لبنان پرداخته و آن را نشانه جدید مصر برای خروج از سیاست‌های انفعالی در قبال ایران و متحدان آن ارزیابی کرده است.

براین اساس نویسنده در ابتدای گزارش تأکید کرده که دستگیری افرادی با اتهام ارتباط با حزب‌الله لبنان برای مبارزه با قاچاق سلاح به غزه و ضربه به حماس به‌عنوان متحد ایران در منطقه بوده است. همچنین تلاش مصر برای جایگزینی قطر (که به طرفداری از ایران می‌پردازد) به‌عنوان میانجی‌گر برخی از اختلافات کشورهای عربی به‌ویژه لبنان و سودان، نشان‌دهنده سیاست جدید مصر علیه ایران و متحدان آن است. این اقدامات مصر همچنین ارسال پیامی برای آمریکا در نشان دادن فوریت تهدید ایران در این مسائل نسبت به پرونده هسته‌ای آن است. در ادامه گزارش نویسنده به بررسی دستگیری اعضای حزب‌الله به اتهام نظارت بر عبور و مرور کشتی‌ها در کانال سوئز برای اقدام نظامی علیه آنان، تلاش بر تحریک شیعیان مصر علیه حکومت این کشور و ارسال اسلحه به غزه پرداخته و این اقدام مصر را در راستای تأکید خطر نفوذ ایران در منطقه و مداخله آن در امور کشورهای عربی نیز برشمرده است. این اقدام پس از قطع روابط خطرناک مغرب با ایران به اتهام حمایت

1. David Pollack and Mohammad Yaqhi, "Egypt, campaign, against Iran send, Washington a signal", the Washington Institute for Near East policy, April 17, 2009.

۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های پژوهشی و گروه‌های فکری آمریکا در حوزه خاورمیانه و خاور نزدیک است.



از جریان‌های شیعه و گروه‌های مخالف آن و همچنین تیرگی روابط ایران و بحرین به‌واسطه طرح مسئله تاریخی حاکمیت ایران بر این کشور پس از اجلاس سران عرب و تأکید مصر برای مقابله با سیاست ایران در کشورهای عربی صورت گرفته است. بنابراین اقدامات مصر عملاً در راستای مقابله با ایران - و نه فقط حزب‌الله - بوده است. از سوی دیگر به اعتقاد نویسنده اقدامات مصر عکس‌العملی به سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا برای تعامل با ایران و نیز تأکید بر فوریت تهدید این کشور نیز می‌باشد. در ادامه گزارش نویسنده، تأکید کرده است که دولت مصر با اتهام به همکاری دو نفر از اعضای اخوان‌المسلمین مصر با حزب‌الله، عملاً به آنان هشدار داده است که این کشور هیچ تساهلی در قبال حمایت سیاسی اخوان‌المسلمین از حزب‌الله و حماس را نیز ندارد. این مسئله سبب شد که اخوان‌المسلمین نیز با درک این موضوع، بلافاصله تأکید کند که امنیت ملی مصر خط قرمز اخوان بوده و هرگونه فعالیت در مصر باید با هماهنگی دولت باشد و آنان هیچ ارتباطی با افراد دستگیر شده ندارند. از سوی دیگر اگرچه دولت مصر، اتهاماتی علیه حماس در خصوص ارتباط آن با حزب‌الله مطرح نکرده است، اما این مسئله به‌عنوان یک برگ برنده در مذاکرات گروه‌های فلسطینی در مصر به‌کار برده خواهد شد و تا زمانی که حماس در مذاکرات منعطف‌تر شود، دولت مصر نیز سیاست‌های خود را در ناپودی تونل‌های غزه و بستن معابر خود با این منطقه ادامه خواهد داد. نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که اقدامات اخیر مصر فرصت جدیدی برای آمریکا در حمایت از متحدان آن و مقابله با گروه‌های مقاومت در منطقه به‌وجود آورده است و آمریکا باید به حمایت از این اقدامات مصر بپردازد.



عنوان: سیاست‌های قومی و دهمین انتخابات ریاست جمهوری^۱

نویسنده: کاوه سیروس سنندجی

منبع: National Democratic Institute^۲

با نزدیک شدن به زمان انتخابات ریاست جمهوری چهار نامزد به شکل خستگی‌ناپذیری در سراسر کشور در حال تبلیغات و حضور در صحنه هستند. در این میان کروی و موسوی که از کاندیدای اصلاح‌طلبان هستند تلاش دارند آرای بخش مهمی از اقلیت‌های قومی و مذهبی را به خود اختصاص دهند. هر چند در ابتدا کروی توانسته بود در میان گروه‌ها محبوبیت پیدا کند، ولی در روزهای اخیر محبوبیت موسوی افزایش یافته است. هر چند ایران متشکل از قومیت‌های بسیاری است، ولی همواره بر وحدت ملی خود تکیه داشته است. رهبران ایران از زمان پهلوی تاکنون بر این سیاست اصرار داشتند که از تقویت قوم‌گرایی محلی جلوگیری کنند. این اقوام کرد، لر، بلوچ، ترک و ترکمن حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل داده‌اند ولی با وجود این دولت‌ها این اقلیت‌ها را نادیده گرفته‌اند.

محمد خاتمی پس از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۹۷ قول داد نقش بیشتری به این اقلیت‌ها ببخشد و توانست این کار را از طریق احیای قانون شوراها براساس قانون اساسی کشور انجام دهد. در انتخابات سال ۲۰۰۵ ریاست جمهوری، معین و کروی بار دیگر بر حقوق و نقش اقلیت‌ها تأکید کردند و هر چند کاندیداهای اصلاح‌طلب در آن مقطع بیشترین آرا را در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی،

1. Kaveh - cyrus sanandaji, "Ethnic politics and the tenth presidential Election" National Democratic Institute, 21 May 2009.

۲. مؤسسه دموکراتیک ملی به بررسی مسائل آسیا، خاورمیانه و آفریقا می‌پردازد.



گلستان، هرمزگان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، لرستان و سیستان و بلوچستان کسب کردند، ولی نتوانستند آرای لازم را برای به‌دست گرفتن قدرت کسب کنند. با روی کار آمدن احمدی‌نژاد سیاست‌های قبلی ابتدای انقلاب در مورد اقلیت‌ها و کاهش نقش آنها دنبال شد و مهم‌ترین دلیل این امر، مسائل امنیتی بود. هر چند احمدی‌نژاد سفرهای منطقه‌ای بسیاری نمود ولی بیشترین تلاش وی در جهت سرکوب تروریست‌های محلی بود تا افزایش اختیارات ملی اقلیت‌های قومی. چنانچه حضور نیروهای سپاه در مرزهای شرق بلوچستان نشان از این امر دارد.

حضور رهبر ایران در کردستان و ملاقات بار رهبران منطقه و قول افزایش سرمایه‌گذاری برای توسعه کردستان نشان از تغییر در سیاست‌های ایران در قبال اقلیت‌ها دارد.

در حال حاضر نامزدان اصلاح‌طلب سرمایه‌گذاری زیادی در استان‌های دارای اقلیت‌های مذهبی و قومی نموده‌اند. موسوی، دولت احمدی‌نژاد را به دلیل سیاست‌های قومی‌اش مورد انتقاد قرار داده و عنوان کرده است، این گروه‌ها در طول تاریخ به‌صورت مسالمت‌آمیز با سایرین زندگی نموده‌اند و نباید با آنها به‌عنوان معضلی امنیتی برخورد کرد. هر چند اقلیت‌ها تصور نمی‌کنند اوضاع آنها توسط اصلاح‌طلبان تغییر اساسی کند ولی احتمال می‌دهند این وضع اندکی بهبود یابد.



عنوان: معامله بزرگ چین بر سر ایران^۱

نویسنده: ایلان برمن

منبع: Far Eastern Economic Review^۲

این گزارش به بررسی تعاملات ایران و چین و رویکرد رهبران چینی نسبت به تحولات نظام بین‌المللی و به‌ویژه مسائل خاورمیانه و معامله بزرگ آنان بر سر برنامه‌های هسته‌ای ایران می‌پردازد. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که کفه سنگین بازی چین میان ایران و غرب به نفع ایران می‌باشد زیرا که در خلال سالیان گذشته که غرب درصدد اعمال فشار بر ایران و تغییر دستور کار هسته‌ای آن بوده است، سیاست چین (علی‌رغم اظهارنظرهای کلی و همراهی کلامی با غرب) غیرسازنده بوده است. در واقع اگرچه چین در سیاست‌های اعمال آمریکا در شورای امنیت به نفع قطعنامه‌های تشدید تحریم علیه ایران رأی داده است، اما در عمل، چین و روسیه کمتر به این تعهدات وفادار مانده‌اند و در نتیجه این سیاست آنان سبب افزایش نگرانی ایران نسبت به تداوم برنامه هسته‌ای آن و موفقیت سیاست‌های غرب در قبال سیاست‌های غرب در قبال پرونده هسته‌ای نشده است. این در حالی است که چین از حق وتوی خود به‌عنوان یک برگ برنده در بازی با ایران نیز استفاده کرده است. همچنین چین تأکید دارد که در سیاست‌های اعمالی علیه ایران، اقدامات دیگری جایگزین تحریم اقتصادی شود. زیرا که به اعتقاد چین امکان انزوای کامل ایران وجود ندارد. در این شرایط تمایل چین برای حفظ وضع موجود کاملاً

1. Ilan Berman, "Beijing 's Iranian Gambli". Far Eastern Economic Review, April 13. 2009.

۲. یکی از نشریات اقتصادی که به بررسی مسائل بین‌المللی به‌ویژه در حوزه خاوردور می‌پردازد.



عمل‌گرایانه است. زیرا هم‌اکنون ایران سومین تأمین‌کننده انرژی چین و موتور محرکه اقتصاد این کشور است. با وجود این، تعاملات ایران و چین تنها به حوزه اقتصادی محدود نمی‌شود. بلکه تقابل ایران با نظام تک‌قطبی مورد نظر آمریکا نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است و بر این اساس است که ایران به عضویت ناظر سازمان شانگهای درآمده است. در ادامه گزارش به رویکرد غرب در قبال برنامه هسته‌ای ایران در دوران بوش و اوباما پرداخته شده و نقش جایگاه اسرائیل برای ایفای اقدام علیه ایران مورد تأکید قرار گرفته است. با وجود این به اعتقاد نویسنده تحولات اخیر به‌ویژه بحران مالی و چگونگی گذراندن مشکلات پرونده هسته‌ای نقش مهمی در روابط ایران و چین دارد. در این شرایط رهبران چین صبورانه درصدد معامله در پرونده هسته‌ای ایران هستند. با این حال سیاست چین در تعاملات آن با ایران و حفظ وضع موجود اگرچه هم‌اکنون در راستای منافع چین است، این مسئله می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری را برای جامعه بین‌المللی و فرصت اقتصادی چین در آینده وارد کند.



عنوان: آیا روسیه به آمریکا در مورد ایران کمک می‌کند^۱

نویسنده: مارک کاتز

منبع: Washington Institute for Near East Policy

هرچند تصمیم اخیر روسیه مبنی بر عدم فروش سیستم موشکی ضد هوایی S-300 به ایران (حداقل تاکنون)، امیدها را برای همکاری بیشتر مسکو برای فشار بر برنامه‌های هسته‌ای ایران افزایش داده است، اما علی‌رغم این نشانه‌های امیدوارکننده، دلایلی قوی برای تردید در ادامه همکاری مسکو وجود دارند. درحالی‌که دولت باراک اوباما در حال تنظیم استراتژی‌های خود در رابطه با تهران است، کنگره و بسیاری از کارشناسان بر لزوم حمایت روسیه در این زمینه تأکید کرده‌اند.

جان کری در اظهارنظری گفته است: «ما به تلاش روسیه برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح‌های هسته‌ای نیازمندیم. تصمیم پرزیدنت باراک اوباما برای گشودن درهای گفت‌وگو با تهران، تصمیمی صحیح است. اما بدون شک ما از مذاکراتی حمایت می‌کنیم که در صورت مواجه شدن با شکست، تعهدی مبنی بر تحریم‌های چندجانبه در پشت آن نهفته باشد. برای آنکه چنین کاری به‌درستی پیش برود، به حمایت روسیه نیاز داریم».

روسیه نیز همانند اروپا، اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و اکثر کشورهای عرب، نمی‌خواهد ایران به سلاح‌های هسته‌ای دست پیدا کند. نتیجه‌گیری این مسئله می‌تواند آن باشد که مسئله ایران به همکاری مشترک آمریکا و روسیه منجر خواهد شد؛ اما

1. Mark N. Katz, "Will Russia Help the United States with Iran", Washington Institute for Near East Policy, May 13, 2009.



این فرضیه می‌تواند کاملاً اشتباه باشد. در صورتی‌که تلاش برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح‌های اتمی با توسل به زور و یا به صورت داوطلبانه، منجر به کاهش ارزش روسیه در نظر ایران به‌عنوان یک شریک و یا حامی شود، مسکو هیچ تمایلی به آن نخواهد داشت. در نظر روسیه، حتی ایرانی مجهز به سلاح‌های هسته‌ای، نسبت به چنین چشم‌اندازی ارجحیت دارد.

مسکو به دو دلیل مهم علاقه‌ای ندارد، برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح‌های هسته‌ای، با واشنگتن همکاری کند: نکته اول آن است که مسکو روابط خوبی با تهران دارد. شرکت‌های روسی از فروش تجهیزات نظامی و فناوری هسته‌ای به ایران سود می‌برند. شرکت‌های نفتی روسیه نیز به‌گونه‌ای فعال به دنبال سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران هستند. مسکو همچنین به دلیل حمایت نکردن ایران از چین و یا سایر گروه‌های مسلمان در روسیه، قدردان این کشور است.

روسیه نمی‌خواهد هیچ‌کدام از این موارد به‌واسطه همکاری جدی مسکو با واشنگتن علیه ایران، به خطر افتد. در عوض، مسئله‌ای که مسکو به آن علاقه‌مند است آن است که کشورهای دیگر مانند آمریکا، اروپا، اسرائیل و یا ترکیبی از آنها، رهبری مقابله با ایران در مسئله هسته‌ای را در دست گیرند.

در صورتی‌که آنها در این راه موفق شوند، چالشی برای روسیه به دلیل همسایه شدن با یک قدرت هسته‌ای جدید وجود نخواهد داشت، که این مسئله به نفع روسیه است. اما در صورتی‌که این کشورها در این فرایند با شکست مواجه شوند، مسکو از رویارویی ایران و این کشورها - و نه روسیه - سود خواهد برد.



نکته دوم آن است که دولت اوپاما در حالی از روسیه می‌خواهد روابط خود را با تهران به خطر اندازد، که واشنگتن خود تلاش دارد روابط ایران و آمریکا بهبود یابد. مسکو از آن بیم دارد که در صورت بهبود روابط ایران و آمریکا، اهمیت روسیه نزد ایران کاهش یابد. بسیاری از ناظران روسی معتقدند تهران بیشتر علاقه دارد تجهیزات نظامی، رآکتورهای هسته‌ای و سایر ملزومات خود را از آمریکا و غرب بخرد تا از روسیه.

نکته آخر آن است که سطح تلاشی که واشنگتن باید برای جلب کمک‌های محدود روسیه صرف کند، از لحاظ زمان و منابع به صرف آمریکا نیست: در صورتی‌که روابط ایران و آمریکا بهبود یابد، واشنگتن نیازی به کمک روسیه نخواهد داشت. اما در صورتی‌که تغییری در این روابط حاصل نشود، روسیه تمایل ندارد و یا نمی‌تواند از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کند.



عنوان: گاز ایران سرخوردگی اقتصادی را تشدید می‌کند^۱
منبع: مجله تحلیلی جینز

ایران از نظر منابع گاز، بعد از روسیه دومین کشور جهان است ولی به‌علت محدودیت‌های سیاسی و ساختاری نتوانسته است با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و جلب سرمایه‌گذاری خارجی، صنعت گاز خود را توسعه دهد. این در حالی است که کشورهای اروپایی، نگران از موقعیت انحصاری روسیه در صدور گاز به اروپا، سعی دارند از وابستگی خود به گاز این کشور بکاهند.

ایران برای توسعه صنعت گاز خود با موانعی روبه‌روست. از جمله مخالفت و عدم همکاری آمریکا، که ایران را از تبدیل شدن به یک صادرکننده عمده گاز بازداشته است.

ایران با داشتن منابع عظیم گاز و نفت و به‌رغم کوشش‌هایش برای متنوع کردن اقتصاد خود، ۴۰ درصد بنزین خود را از خارج وارد می‌کند و ۸۰ درصد درآمد ارزی‌اش از فروش نفت حاصل می‌شود. اما ایران چگونه می‌تواند اقتصاد خود را متنوع کند و صنعت گاز خود را توسعه دهد.

نشریه جینز می‌گوید با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی کشور و کاهش چشمگیر بهای نفت در ۱۰ ماه گذشته، یکی از گزینه‌های پیش روی ایران، توسعه صنعت گاز طبیعی این کشور است. کشوری که میزان گاز طبیعی آن به ۲۷ هزار و ۶۰۰ میلیارد مترمکعب می‌رسد. یعنی ۱۵ درصد گاز جهان.

1. Iran's gas swells economic frustration, Janes Islamic Affairs Analysis, May 2009.



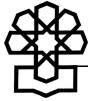
با وجود این تا دو سال پیش واردات گاز ایران بیش از صادرات آن بود و تولید فعلی ایران نیازمندی‌های داخلی‌اش را رفع نمی‌کند. تهران قصد دارد با حذف یارانه گاز، مصرف داخلی را کاهش دهد و به میزان صادرات خود بیفزاید.

ایران برای افزایش صادرات خود گزینه بهتری دارد و آن افزایش تولید است ولی مشکل اصلی ایران در این زمینه مشکل جذب سرمایه‌گذاران خارجی است که ریشه در تحریم‌های آمریکا دارد: تحریم‌هایی که شرکت‌های بزرگ چند ملیتی را از سرمایه‌گذاری در ایران باز می‌دارد.

این درحالی است که روسیه، با استفاده از این اقدام آمریکا، سعی دارد ایران را در توسعه میدان گازی پارس جنوبی‌اش یاری دهد. به‌رغم این یاری روسیه که از سال ۱۹۹۷، دوازده سال پیش آغاز شد، ایران هنوز از نظر میزان تولید گاز برای مصارف داخلی، خودکفا نیست و از فقدان زیرساخت‌های لازم فنی برای تبدیل شدن به یک صادرکننده مهم رنج می‌برد.

تجارت و تولید انرژی بخش‌هایی هستند که تشریک مساعی و همکاری ایران با غرب در این زمینه، می‌تواند به سود هر دو طرف باشد. تولید بیشتر نفت و گاز باعث خواهد شد که ایران صادرات بیشتری داشته باشد و سهم بیشتری از بازار جهانی را در این زمینه‌ها به‌خود اختصاص دهد.

این مقاله با اشاره به اینکه ایران نتوانسته است صنعت گاز خود را توسعه دهد، می‌نویسد روسیه بازار گاز را به انحصار خود درآورده و به بزرگترین صادرکننده گاز به اروپا بدل شده است. درحالی‌که کشورهای اروپایی می‌خواهند وابستگی خود را به گاز روسیه کاهش دهند.



این در شرایطی است که تولید گاز در کشورهای اروپایی در سال‌های آینده کاهش خواهد یافت. به‌طوری‌که در سال ۲۰۳۰ میلادی یعنی ۲۱ سال دیگر کشورهای اروپایی ناچار خواهند شد ۸۴ درصد از گاز مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند.

با توجه به این دورنما، ایران با منابع عظیم گازی می‌تواند یک آلترناتیو مهم باشد. به‌ویژه اینکه موقعیت جغرافیایی ایران به این کشور اجازه می‌دهد که گاز خود را از ترکیه از طریق لوله ناباکو و بدون تکیه به لوله‌های گاز که از روسیه می‌گذرد، به اروپا صادر کند.

نکته دیگر اینکه ایران در حال حاضر چهارمین تولیدکننده گاز در جهان است و دسترسی این کشور به تکنولوژی مدرن غربی و جذب سرمایه‌گذاران غربی می‌تواند ظرفیت ایران را برای صدور گاز به نحو چشمگیری افزایش دهد. گذشته از صدور گاز به‌وسیله لوله، ایران می‌تواند از طریق خلیج فارس و با استفاده از کشتی‌های ویژه گاز مایع طبیعی به خارج صادر کند.

این مقاله در پایان می‌نویسد درحالی‌که ایران به دلیل عدم دسترسی به تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند گاز کافی به خارج صادر کند، کشورهای مانند قطر به پیشرفت‌های قابل توجهی از طریق همکاری با شرکت‌های چندملیتی نائل شده‌اند و ایران را به حاشیه رانده‌اند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۷۰۶

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۷)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۳/۱۷